

اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

بررسی لزوم جبران کاهش قدرت خرید پول سپرده ها در بانکداری اسلامی

نجمه تاجی الیاتو

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه شیروان

حبیب الله مهدویفر

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه تهران

Ali3431.hm@gmail.com

چکیده

در دودهه اخیر، توسعه صنعت بانکداری اسلامی در سطح بین المللی با رشد چشمگیری مواجه بوده است و انواع مختلفی از موسسات مالی با عنوان اسلامی (شامل بانک های اسلامی) در کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی تشکیل شده اند و به فعالیت مشغولند. در ایران نظام بانکداری بدون ربا در جریان است و هنوز برای آن ادعای اسلامی بودن نشده است و قانون هم در حد قانون عملیات بانکی بدون ربا مطرح شده است، گر چه ظاهرا این عملیات هیچ تناقضی با عملکرد بانک ها بخصوص در کشور ایران ندارد اما به علت تغییر ماهیت عناصری همچون پول و پشتوانه ی آن، که در طول زمان سهوا یا عمدا نادیده گرفته شده ایجاد نوعی تناقض در نقش بانک های موصوف به اسلامی نموده و به نظر می رسد مطالعه این تجارب و مقایسه آن با الگوی بانکداری سنتی ایران، می تواند به اجرای بهتر این نوع بانکداری در کشور کمک کند اما لازم است بازنگریها و نقدهایی در این زمینه صورت گیرد. بر این اساس در این مقاله تلاش می شود به صورت مختصر به بررسی بانکداری اسلامی و بانکداری سنتی پرداخته و همچنین الگوی مورد استفاده در سایر کشورها با قرائت ایرانی بانکداری اسلامی (بانکداری بدون ربا) مقایسه گردد، سپس به تجزیه و تحلیل این نوع بانکداری پرداخته و اثر کاهش قدرت خرید پول بر سپرده گذاری بررسی و مواردی که باعث روشن تر شدن موضوع می گردد و به نظر نگارندگان به بهبود وضع کنونی اقتصاد می انجامد، پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، بانکداری بدون ربا، جبران قدرت خرید پول، پول عینی، پول حکمی، پول اعتباری

اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

مقدمه

برای نخستین بار ، حدود شصت سال پیش برخی از متفکرین مسلمان مصر به این فکر افتادند که مدل های اولیه ای از شرکت های سرمایه گذاری اسلامی را طراحی کنند . که بعدها این اندیشه به تدریج جدی تر مطرح شد . اما حدود چهل سال پیش ، اندیشمندان بزرگواری همچون شهید آیت الله صدر و از اهل سنت افرادی همچون نجات الله صدیق برای اولین بار ایده ی بانک داری بدون بهره یا بدون ربا را طرح کردند . این ایده در اختیار اندیشمندان و فقه های بزرگواری قرار گرفت و پرورش پیدا کرد تا اینکه امروز شاهد این هستیم که بانک هایی با عنوان بانک اسلامی در کشور های مسلمانان شکل گرفته است.

. به جرات می توان گفت تاثیرگذارترین بانک اسلامی جهان که در سطح بین المللی کاملاً شناخته شده، «بانک توسعه اسلامی» است. این بانک یکی از بزرگترین موسسات مالی بین المللی و بازوی اقتصادی سازمان کنفرانس اسلامی است که بر اساس اعلامیه وزرای اقتصاد کشورهای اسلامی، با هدف رشد و توسعه اقتصادی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی جوامع و کشورهای مسلمان جهان، در دسامبر ۱۹۷۳ با سرمایه ۷۵۵ میلیون دینار اسلامی در جده عربستان تاسیس شد و فعالیت خود را رسماً از اکتبر ۱۹۷۵ میلادی آغاز کرد؛ مرکز این بانک نیز در جده قرار دارد. در بین کشورهای مختلف، عربستان سعودی، لیبی و ایران، به ترتیب سه سهامدار اول این بانک را تشکیل می دهند. (حاجیان، ۱۳۹۰).

وظایف و عملکرد بانک توسعه اسلامی شامل مشارکت در سرمایه شرکتها، ارائه تسهیلات جهت اجرای طرحها و فعالیت های مولد اقتصادی، سرمایه گذاری در پروژه های زیربنایی، پذیرش سپرده های کشورهای عضو، اعطای کمک های بلاعوض جهت توسعه ی اجتماعی و اقتصادی کشورهای عضو، ایجاد صندوق های تخصصی و ویژه برای مقاصد مشخص و غیره است.

در تجهیز منابع بانک توسعه اسلامی که بیش از ۳۰ سال از تاسیس آن می گذرد، از روش مشارکت استفاده می کند. به این معنا که کشورهای اسلامی با پرداخت حق عضویت منابع بانک را تامین می کنند و سهامداران بانک به شمار می روند. بانک توسعه اسلامی برای تخصیص منابع و حمایت مالی از طرحها و پروژه های عمرانی کشورهای عضو از روش های مختلفی استفاده می کند که برخی از مهم ترین آنها عبارتند از: وام بدون بهره، مرابحه، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، مشارکت، استصناع و اعطای خط اعتباری.

کشور ایران در سال ۶۲ با تصویب قانون بانکداری بدون ربا فصلی از بانکداری اسلامی را در کشور به مرحله ی اجرا در آورد .

متأسفانه باید گفت که آنچه در نظام بانکی کشور اجرا می شود ، دقیقاً همان چیزی نیست که بانکداری اسلامی در نظر دارد. (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۳/۹/۱۹)

در بانکداری اسلامی با قرائت فعلی یک اصل وجود دارد و آن پرهیز از مداخله و یا مشارکت از ربا یا هر گونه عاملی است که شریعت مقدس آن را حرام اعلام کرده است . اما در اقتصاد اسلامی ، عدالت هم یکی از مهمترین شاخص ها محسوب می شود . در نتیجه باید پس از حذف ربا این مسایل مورد بررسی قرار بگیرند که آیا بانکداری فعلی ایران با مدلی که برای آن طراحی شده ، چه نسبتی با عدالت دارد و تا چه اندازه عادلانه است؟

از آنجایی که بازپرداخت سپرده های سپرده گذاران بخصوص در سپرده های قرض الحسنه در شرایط تورمی با قدرت خرید کمتری انجام می گیرد این امر گرچه توسط بعضی از صاحب نظران اشکالی ایجاد نمی کند اما از لحاظ عقلی عادلانه نمی

اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

نماید و به نوعی لازم است قاعده ی لاضرر در آن مستطر و رعایت گردد. تا باعث تضعیف جریان سپرده گذاری و در نتیجه کاهش سرمایه گذاری که از محل سپرده ها انجام می گیرد نگردد.

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله مروری بوده و مطالعه تاریخی از نوع کتابخانه ای است و در آن از مقالات مندرج در نشریات معتبر با ذکر منبع استفاده شده است.

۱- پیشینه بانکداری و نظام پولی

گذری بر پیشینه ی بانکداری در ادوار مختلف تاریخ علاوه بر آشنایی با نحوه ی عملکرد آن ها تغییر ماهیت و پشتوانه پول را هم از آغاز تا کنون تا حدودی برهمگان روشن می نمایند لذا برای اینکه احکام فقهی مربوط به این مهم مورد نقد و بررسی مجدد قرار گیرد، ناگزیریم بانک و نظام بانکداری و تغییر ماهیت پول را در ادوار مختلف مورد بررسی قرار دهیم .

۱-۱- تاریخچه ی بانک و نظام بانکداری

۱-۱-۱ بانکداری در دوره قدیم

الف_ بابل: در امپراطوری بابل معاملات به شیوه ابتدائی آن رواج داشت و حتی در قوانین حمورایی مقرراتی برای دادن وام و قبول سپرده های تجاری ذکر و دستوراتی درباره سرمایه گذاری آمده است. در شهر بابل تجارتخانه ها و بانک های بزرگی وجود داشت که دادن حواله ، برات و نیز گرفتن ربح معمول بود و میزان ربح ۲۰٪ بوده و در مواردی به صدی چهل تا چهل و سه می رسید .

معابد این شهر در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به عملیات بانکی محدودی مبادرت می ورزیدند و در مقابل وثیقه اموال غیر منقول پول به عاریت می دادند^۱.

ب _ یونان: در کشور خدایان و ارباب علاوه بر بانک های خصوصی بعضی از معابد هم به کار صرافی اشتغال داشتند . سپرده های مردم را پذیرفته و به اشخاص یا شهرها وام اعطا می کردند . از جمله معبد دلفی بود در شهر افسن و بعلت جنگ های مداوم داخلی ، معابد مطمئن ترین محل برای نگاهداری و حفاظت اموال گرانبها و پرارزش به شمار می آمد.

پ _ ایران: قبل از دوره هخامنشی ، بانکداری به طرز ابتدائی مرسوم ولی در انحصار معابد و شاهزادگان بود و در زمان هخامنشیان بازرگانی رونق یافت و پول مسکوک رواج یافت . معروفترین این بانک ها اجیبی بود که به مهاجرین یهودی مقیم بابل تعلق داشت و کلیه امور بانکی از قبیل سپرده ، اعطای وام و رهن گرفتن املاک می پرداخت و سرمایه آن برای خرید و فروش منازل ، احشام ، غلامان کشتی های حامل کالا بکار می افتاد.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

ت_رم : در اوایل تاسیس دولت رم که وصول مالیات ها به شکل مقاطعه به اشخاص واگذار می شد مامورین غالباً به شهر ها و موسسات دولتی وام می دادند . در واقع به نوعی بانکداری مبادرت می ورزیدند . بانکدارهای رومی گذشته از تبدیل پول های خارجی به پول های کشور و تعیین عیار آن ها و قبول سپرده و دادن وام ، کار صندوق داری را هم برای مشتریان خود انجام می دادند. عملیات بانکی بانکداران رومی از بیشتر جهات شبیه به بانکداری کنونی و عبارت بود از افتتاح حساب جاری و مدت دار به نفع افراد، پرداخت بهره به سپرده های مدت دار ، دادن قرضه بانکی اعم از مصرفی و تجارتي با بهره های متفاوت، رهن و صدور اعتبار نامه نجاری و غیره^۲ .

ث_چین : در چین نیز حدود قرن ششم قبل از میلاد بانکداری رواج داشته و اختراع کاغذ (در حدود ۱۰۵ سال قبل از میلاد) در چین از نظر استفاده در عملیات بانکداری اهمیتی بسزا یافت زیرا همین کشف بود که برای اولین بار تهیه اسناد بانکی ، تنظیم محاسبات و نگهداری حساب ها و نقل و انتقال اسناد را به صورتی ارزان و ساده مقذور ساخت. (<http://www.fsmcenter.com/fa/news/22.ht>)

۲-۱-۱ ...

۳-۱-۱ بانکداری در قرون وسطی (از قرن پنجم تا پانزدهم میلادی)

4

در قرون وسطی بانکداری و تجارت به مفهوم آنچه در یونان و امپراطوری روم وجود داشت عملاً از بین رفت و پس از سقوط رم یک سیری قهقرائی در عملیات بانکی و سایر مظاهر تمدن بشری پیدا شد . عرف بانکداری با انجام برخی عملیات بانکی توسط اقوام مختل بخصوص یهودی ها که با استعداد طبیعی این قوم که بیشتر به فعالیت های بانکی پرداخته بودند، حیات تازه ای یافت ولی با مخالفت و تعصب شدید مقامات کلیسا علیه دریافت ربح از افراد و منع مشروط آن درقوم مذهب یهود قرار گرفت. در مذهب یهود منع دریافت بهره منحصر^۳ به منع دریافت آن از هم کیشان یهودی تعبیر شده، بنابراین عملیات صرافی و بخصوص دریافت بهره در مقابل دادن قرضه از افراد غیر یهود بالامانع رواج یافت .

۴-۱-۱ بانکداری در دوره جدید (از قرن پانزدهم به بعد)

دوره جدید با پیشرفت تدریجی تجارت و داد ستد در سواحل دریای مدیترانه بخصوص در شهر های ونیز و فلورانس شروع شد و کشف امریکا و راههای دریائی جدید و استقرار روابط بازرگانی بین شرق و غرب کم کم دامنه فعالیت اقتصادی از سواحل دریای مدیترانه به کشور های سواحل اقیانوس اطلس مانند فرانسه _ اسپانیا _ پرتقال و انگلیس گسترش پیدا کرد . این پیشرفت توأم با استفاده روز افزون از خدمات بانکی و نتیجتاً ازدیاد حرفه بانکداری بویژه در شهر ونیز بود . با ورود طلا و نقره فراوان از آمریکا و آثار پولی در کشور های مختلف اروپائی از یک طرف و رفع ممنوعیت دریافت بهره در آئین مسیح بر اثر فتوای جان کالون رهبر پروتستانها از طرف دیگر ونیز افزایش فعالیت های بانکی و تکامل آن در فلزات قیمتی و نقل و انتقال وجوه از نقطه ای به نقطه ای دیگر و تسعیر پولهای خارجی بود با نشر اسکناس تبدیل پذیر به فلز (طلا و نقره) بصورت صد در صد باعث رونق بانکداری گردید و محلی برای قبول سپرده های نقدی مردم و دولت شد پراخت وام و اعطای اعتبار توسعه پیدا کرد و چک (پول بانکی) کم کم جز پول های در گردش شد . فعالیت و قدرت پولی این بانکداران به قدری توسعه پیدا کرد که حتی به پادشاهان (حکام) قرض می دادند و همین توسعه فعالیت و

اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

استفاده بیش از حد اعتبارات بانکی به ورشکستگی های متعددی در نیمه دوم قرن هفدهم میلادی منتهی شد و بالاخره منجر به وضع مقررات قانونی دایر به نفع عملیات بانکداران خصوصی در نشر اسکناس و ایجاد بانک های عمومی (بانک های مرکزی) در این آزمون گردید.

۱-۱-۵ تشکیل بانک مرکزی

در پی گذشت زمان و رشد بی رویه بانک های ناشر اسکناس و عدم نظارت قانونی دولت بر عملیات بانکی موجب گردید تا بانک ها از موازین لازم برای ایجاد تسهیلات اعتباری و پرداخت وام تجاوز کرده و حتی حمایت مالی شرکت های سهامی را بدون محدودیت و بی توجه به عواقب آن در سیستم بانکی پذیرا شوند. تندروی در اعطای اعتبارات و زیاده روی در پرداخت وام سرانجام موجب توقف و ورشکستگی بانک ها یکی پس از دیگری گردید بطوریکه دخالت نظارت دولت را مستقیم در کار بانکداری الزامی عملی گردانید .

نیاز جوامع به برپائی بانک های تخصصی که معلول رشد صنعت و پیشرفت اقتصاد کشور ها بود سبب شد که در راستای نظارت دولت بر عملیات بانکی ، انتشار اسکناس را هم بطور انحصاری با تاسیس (بانک ناشر اسکناس ، بانک مرکزی) بر عهده بگیرد و نظارت مستقیمی هم از طرف قانونگذار بر بانک های ناشر اسکناس نیز اعمال گردد. با این روش قانونی تعدد بانک های ناشر اسکناس سیر وحدت را طی کرد .

5

بعد از جنگ جهانی اول بحرانهای پولی در کشور های مختلف موجب اعتقاد بیشتر به لزوم حفظ ارزش پول از راه نظارت در نشر اسکناس شد. از اوایل قرن بیستم کشورها پذیرفتند که وجود بانک ناشر اسکناس یا بانک مرکزی در هر کشوری می تواند با حفظ ارزش پول و تنظیم حجم اعتبارات و اعمال سیاست های پولی و نظارت بر عملیات کلیه بانک های تجاری و تخصصی از بروز بحران های پولی جلوگیری کرده و نقش اساسی را در رشد با توسعه اقتصادی کشور ایفا نمایند.

۱-۱-۶ تاریخچه بانکداری در ایران

۱-۱-۷ نظام بانکداری نوین

نظام بانکداری نوین که در غالب نظام بانکداری الکترونیک مطرح است بخش های مختلفی را در برمی گیرد اما مهم ترین الویت این نظام بانکی افزایش سود خالص برای بانک ها است اما کارشناسان اقتصادی معتقدند که برای حل مشکلاتی که نظام بانکداری نوین در پرداخت سود سپرده و وام ها دارد باید هرچه سریع تر با متدهای جدید نظام بانکداری نوین اسلامی نهادینه شود. (صالح آبادی، ۱۳۸۴)

تصور اینکه دفاع از بانکداری اسلامی فقط ناشی از احساسات و ادعای دینی است اشتباه است. زیرا دلایل اقتصادی متعددی وجود دارد که سیستم مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان به تجمیع بهتر پس اندازها و به کارگیری منابع مالی بانکی در بهترین کاربردهای ممکن می انجامد و به دنبال آن باعث عدالت در توزیع درآمد و تقویت روحیه مشارکت میان دارندگان پول و پس انداز کنندگان می گردد . در حالی که در غیر آن روحیه منفی گرایانه وجود دارد

بانک های اسلامی طی یک ربع قرن یا شاید بیشتر، در کشورهای اسلامی به تجمیع پس اندازهای کسانی همت گمارده اند که به خاطر اعتقادشان به حرام بودن بهره از تعامل با بانک های سنتی پرهیز نموده اند. (نظرپور، یوسفی، سجادی، ۱۳۹۱)

اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

در بانکداری اسلامی نه تنها دریافت سود (آنچه ربا نامیده می‌شود) ممنوع است، بلکه اوراق قرضه، عقود مدت دار و قراردادهای بانکی خاص، به شکل رایج در غرب، به عنوان مثال در بانک‌های آمریکایی، نیز وجود ندارد. همچنین بر اساس قوانین بانک‌های اسلامی، فرد نمی‌تواند چیزی را معامله کند که هنوز وجود خارجی ندارد یا خود مالک آن نیست. این عاملی است که به گفته برخی کارشناسان، از خطر فروریختن "دومینو" گونه بانک‌ها، شبیه آنچه در بحران مالی در بانک‌های آمریکایی و اروپایی اتفاق افتاد، می‌کاهد. البته این را نیز نباید از نظر دور داشت که رابطه بانک‌های اسلامی با تجارت و دادوستد دیگر سیستم‌های بانکی و مالی، به همین نسبت محدودتر است. بانک‌های اسلامی در مقابل، سود مورد نیاز برای بقای خود از راه‌هایی همچون بستن قراردادهای مشارکتی تأمین می‌کنند. بدین ترتیب که بانک در یک پروژه به عنوان شریک وارد می‌شود و سهمی از سود حاصل دریافت می‌کند؛ البته اگر پروژه‌ها با شکست مواجه شود، دارایی بانک نیز از بین خواهد رفت.

این بانک‌ها از طریق ابزارهای تأمین مالی جدید بر گرفته از عقود اسلامی مانند مرابحه، اجاره، مشارکت و... در تأمین مالی تعداد زیادی از پروژه‌های کوچک و متوسط موفق بوده‌اند که در شرایط عدم وجود بانک‌های اسلامی چنین پروژه‌هایی نمی‌توانستند در سیستم بانکی موجود (که بر شایستگی اعتباری و ضمانت‌های مالی استوارند) به منابع مالی مورد نیاز دست یابند. این در حالی است که کمک به چنین پروژه‌هایی اقدامی مهم در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

در همه‌ی عملیات بانکی دو عمل تجهیز منابع و مدیریت مصارف از جمله اصلی‌ترین عملیات بانکی است که بانک را به صورت یک واحد مالی از دیگر واحدهای اقتصادی متمایز می‌کند. نظام بانکداری بدون ربا نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بانک اسلامی نیز نظیر سایر بانک‌ها با استفاده از منابع پس‌انداز گروهی از افراد جامعه، نیازهای مالی دیگر گروه‌ها را تأمین می‌نماید. بدین ترتیب از نقطه نظر اتکا بر منابع پس‌انداز جامعه، تفاوتی بین بانکداری سنتی متداول در کشورهای دیگر با بانکداری بدون ربا وجود ندارد، لیکن آنچه که بانکداری بدون ربا را از بانکداری سنتی متمایز می‌کند ماهیت و شکل آن است. اصولاً شیوه‌های رفتاری در چارچوب روابط حقوقی که بین بانک و مشتری به وجود می‌آید، شکل می‌گیرد. البته آن دسته از عملیات بانکی که تابع اصول و ضوابط مشابهی هستند، چه در محیط اسلامی و چه غیراسلامی، نبایستی از یکدیگر متفاوت باشند چراکه آن دسته از رفتار یا روابط حقوقی بین بانک و مشتری که با موازین اسلامی در تعارض نباشند در محیط اسلامی هم پذیرفته شده‌اند.

امروزه در تمام دنیا از تأمین مالی خرد Micro Finance سخن به میان آمده و سعی می‌شود بین انتظارات بانک‌ها (در مورد تضمین و...) و نیازهای مالی پروژه‌ها و کارگاه‌های کوچک هماهنگی به عمل آید.

اخیراً بانک‌های سنتی به حوزه‌ی تأمین مالی پروژه‌های کوچک روی آورده‌اند، اما با احتیاط شدید و با همکاری شرکت‌های بیمه و شرکت‌های تضمین سرمایه‌گذاری و همچنین با دقت در تعریف پروژه‌های کوچک، تا ریسک تأمین مالی آنها به حداقل برسد. اما این ورود بانک‌های سنتی با آنچه بانک‌های اسلامی در این زمینه کرده‌اند فاصله‌ی زیادی دارد و هنوز برای بانک‌های اسلامی فرصت‌های زیادی وجود دارد تا با استفاده از ابزارهای مالی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان خود، نقش فعال‌تر و بزرگ‌تری ایفا نمایند.

۲- نقش بانک‌ها در توسعه

قبل از ورود به بررسی امکانات بانک‌های اسلامی برای مشارکت در توسعه اقتصادی به توضیح چند نکته در مورد بانک‌های سنتی می‌پردازیم.

۱- این بانک‌ها در تأمین مالی پروژه‌های تولیدی مشارکت می‌نمایند اما برای آنها مهم نیست که این پروژه‌ها به تولید کالا و خدمات مشروع می‌پردازند یا تولید کالاها و خدماتی که حرام هستند.

اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

۲- چون بانک های سنتی به دنبال حداکثر نمودن سود خود از طریق مابه التفاوت بهره‌ی وام و سپرده هایشان هستند از پرداخت تسهیلات مالی به فعالیت هایی که در فرآیند توسعه از سایر فعالیت ها سهم بیشتری دارند نا توان می باشند. حتی در این بانک ها سیاست هایی(در مقایسه با افرادی که صرفاً برای مبادلات پولی و با هدف منفعت شخصی وام می گیرند) وجود ندارد که بر اساس آن به فعالان اقتصادی که به فعالیت های تولیدی مفید برای کشورشان مشغول هستند تسهیلات مالی پرداخت گردد. گاهی اوقات به کارگیری وام های بانکی در مضاربه های مالی صرف، به منظور کسب سود فوری به نا بسامانی بازار اوراق مالی منجر می شود ولی بانک به این موضوع اهمیتی نمی دهد و به خاطر ماهیتش(دریافت سپرده و پرداخت وام)خود را مسئول نمی داند. بعضی اوقات نیز این بانکها به کسانی وام می دهند که منابع پولی را برای تأمین منافع شخصی بیشتر به خارج از کشور منتقل می کنند. در این صورت نیز(اگر بانک عامل از بانک مرکزی دستوری برای منع چنین فعالیتی دریافت نکند)بانک اهمیتی نمی دهد. البته اگر متقاضیان وام از تجار و ثروتمندان مشهور باشند که هر چند گاه ضمانت های کم ارزشی به بانک ارائه نمایند. اما شریعت اسلامی ما را ملزم می کند که منابع مالی خود را با دقت و به درستی به کار گیریم و قاعده‌ی عمومی معروف در این زمینه آیه « و لا تؤولوا السفهاء أموالکم آتی جعل الله لکم قیاماً »(النساء-۵) است. می دانیم که سفیه مورد اشاره در آیه فقط بچه‌ی نا بالغ یا فرد ناقص العقل نیست بلکه شامل هر کسی است که منابع مالی را به صورتی استفاده می کند که به خودش یا دیگران ضرر می رساند و مفید نیست .

۳- بانک های سنتی تحت شرایطی خاص، در تأمین مالی بعضی از پروژه های سرمایه گذاری با ماهیت اجتماعی سهیم بوده اند(مانند صد دهه ۱۹۶۰ و بعد از آن). اما این مشارکت به خاطر فشار و الزام قدرت های اقتصادی و آموزش مستقیم آن توسط بانک مرکزی صورت گرفته و پس از آن، این بانکها در تأمین منابع مالی مورد نیاز برای پروژه های مربوط به توسعه انسانی و اجتماعی مشارکت نکرده اند. زیرا معیار فعالیت این بانک ها از روز اول(اواخر قرون وسطی) معیار اقتصادی صرف بوده است که به ابزارهای بازاروتوانایی مالی وام گیرندگان بستگی دارد .

اگر چه ممکن است بانک های سنتی با تکیه بر ابزار های بازار و توانایی و اعتبار مالی مشتریان به تأمین مالی پروژه های توسعه اقدام نمایند اما این توسعه از دیدگاه اسلامی نمی تواند یک توسعه سالم و متعادل باشد، زیرا بر اساس معامله ربوی بنا شده که خداوند آن را حرام نموده است « یمحق الله الربا و یربب الصدقات والله لا یحب کل کفار اثمیم » (البقره ۲۷۶) و در شرایطی که صاحبان پروژه های سرمایه گذاری(بدون اراده‌ی شخصی) دچار ورشکستگی شوند از طرف بانک برای آنها مشکلاتی پیش می آید که مخالف فرمان خداوند است که می فرماید «فإن کان ذو عسرۃ فنظرۃ إلی میسرۃ»(البقره ۲۸۰)

۲-۱- تاریخچه بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی بصورت فعلی از حدود اواسط دهه ۱۹۷۰ در خاور میانه بوجود آمده است. انتشار کتاب مشهور "البنک الربوی فی الاسلام" این تفکر تاثیر زیادی داشت و بسیاری از افراد را به فکر بانکداری اسلامی انداخت. از جمله محمد الفیصل برادر زاده ی پادشاه عربستان که نخستین بانک های اسلامی را در اواسط دهه ۱۹۷۰ در عربستان، مصر و سودان پایه گذاری کرد.

در مورد تاریخچه بانکداری اسلامی تحقیق چندانی انجام نشده اما برخی معتقدند که تلاش ها جهت اسلامی کردن بانکداری به اوایل دهه ۱۹۴۰ برمی گردد ولی اولین موسسه ای که به صورت منسجم بانکداری اسلامی را وجهه همت خویش قرارداد بود در سال ۱۹۶۳ در مصر افتتاح شد و این تجربه تا سال ۱۹۶۷ ادامه داشت و تا این زمان تعداد ۹ نماینده گی از این بانک ها در این کشور ایجاد شده بود . این بانک ها نه بهره داده و نه می گرفتند و در زمینه تجارت و صنعت به طور مستقیم و یا با مشارکت دیگران سرمایه گذاری میکردند و منافع حاصله را بین سپرده گذاران خود تقسیم می کردند.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

بانک اجتماعی ناصر در سال ۱۹۷۱ در مصر تاسیس شد و به عنوان یک بانک تجاری که بر اساس نفی بهره فعالیت می‌کرد اعلام موجودیت نمود و به تدریج بانک‌های اسلامی در کشورهای خاورمیانه اعلام موجودیت کرده و موج بانک‌های اسلامی به آسیای جنوب شرقی سرایت کرد.

قدم دوم در مسیر بانکداری اسلامی در سال ۱۹۷۰ بود که در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی دولت مصر و پاکستان به صورت مشترک از تاسیس بانک بین‌المللی اسلامی حمایت کردند. در نهایت در سال ۱۹۷۵ با مطالعه ۳ ساله دولت مصر جهت تاسیس ساختار نهاد بانک اسلامی بانک توسعه اسلامی تاسیس شد. در طول زمان، بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف توسعه یافته است.

۱-۱-۲ تفاوت‌های نظام بانکداری بدون ربای ایران با سایر کشورهای اسلامی

پس از بررسی تجربه اجرای بانکداری اسلامی در کشورهای گوناگون، سوالی که طبعاً مطرح می‌شود این است که تفاوت‌های این الگوها با تجربه بانکداری بدون ربای ایران در چیست؟ در ادامه به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود (البته نباید فراموش کرد نقاط اشتراک و شباهت‌ها بسیار بیشتر از تفاوت‌هاست).

بانکداری بدون ربا در ایران در کل کشور جریان دارد و بانکداری متعارف در نظام بانکی کشور جایی ندارد. این در حالی است که در اکثر کشورهای اسلامی (به جز سودان) نظام دوگانه حاکم است و بانک‌های اسلامی در کنار بانک‌های متعارف به فعالیت مشغول هستند. ۲- بانکداری بدون ربای ایران بر اساس فقه امامیه استوار شده، در حالی که در سایر کشورهای اسلامی، بانکداری اسلامی بر اساس فقه اهل سنت شکل یافته است. فقه مورد عمل در مالزی و اندونزی شافعی، در پاکستان و ترکیه حنفی و در عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس عمدتاً حنبلی است.

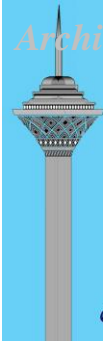
۳- در بانکداری بدون ربای ایران قانون مستقل و مرجعی در حوزه بانکداری اسلامی در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسیده و از آن زمان به اجرا درآمده است. این در حالی است که در اکثر کشورها قانون مرجعی در این رابطه وجود ندارد؛ هرچند در مالزی، سودان و پاکستان قانون بانکداری اسلامی طراحی شده است.

۴- در نظام بانکداری بدون ربای ایران در بخش تجهیز منابع (سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار) از عقد وکالت استفاده می‌شود در حالی که در اکثر کشورهای اسلامی از سایر عقود مانند مضاربه، ودیعه و عاریه استفاده می‌شود.

۵- در نظام بانکداری بدون ربای ایران در بخش تخصیص منابع از عقد مضاربه تنها در جهت تجارت استفاده می‌شود. به عبارت دیگر عقد مضاربه در الگوی ایرانی بانکداری اسلامی عقدی مضیق (صرفاً مخصوص تجارت و خرید و فروش) است؛ در حالی که در سایر کشورهای اسلامی عقد مضاربه عام بوده و محدود به تجارت نیست. نکته مذکور ناشی از تفاوت‌های موجود بین فقه امامیه و عامه است.

۶- در نظام بانکداری بدون ربای ایران در بخش تخصیص منابع از بیع دین استفاده می‌شود؛ در حالی که در اکثر کشورهای اسلامی از چنین عقدی استفاده نمی‌شود. علت این مساله به طور عمده آن است که در دیدگاه رایج اهل سنت، بیع دین (به ویژه به شخص ثالث)، صحیح نبوده و کاربرد عمومی ندارد.

۷- در نظام بانکداری بدون ربای ایران تنها شورای فقهی بانک مرکزی به فعالیت مشغول است؛ این شورا نیز صرفاً جایگاه مشورتی و پاسخگویی به سوالات دارد و جایگاه حقوقی رسمی در ساختار بانک مرکزی ندارد. در شبکه بانکی نیز اکثر بانک‌ها به ضرورت تاسیس شورای فقهی پی نبرده‌اند و در این زمینه اقدام جدی انجام نداده‌اند (البته بانک مرکزی نیز در این زمینه مقررات کافی وضع نکرده است). در حالی که تقریباً تمامی بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی در سایر کشورها دارای شورای فقهی مستقل هستند.



اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

- ۸- بانک های اسلامی سایر کشورها معمولاً به صورت کاملاً اختیاری بخشی از سود خود را به عنوان زکات پرداخت می کنند و این در ترازنامه ی بانک افشا می شود. اما چنین مساله ای در نظام بانکی ایران وجود ندارد.
- ۹- در نظام بانکداری بدون ربای ایران به رغم نظر مخالف شماری از مراجع تقلید، جریمه تاخیر (تحت عنوان وجه الزام) بنا بر تجویز شورای نگهبان از مشتریان بدحساب دریافت و به عنوان درآمد بانک لحاظ می شود. این در حالی است که در بانک های اسلامی سایر کشورها جریمه تاخیر صرفاً به فعالیت های خیریه اختصاص می یابد و با سایر منابع بانک ادغام نمی شود؛ یعنی جریمه تاخیر جزو درآمدهای بانک نیست.
- ۱۰- در نظام بانکداری بدون ربای ایران در بخش تخصیص منابع، نرخ سود عقود مبادله ای مورد استفاده، توسط دولت (از طریق شورای پول و اعتبار) تعیین می شود. این در حالی است که در سایر کشورهای اسلامی اساساً چنین مساله ای وجود ندارد.
- ۱۱- در ایران به سپرده های سرمایه گذاری مدت دار سود علی الحساب (معمولاً به صورت ماهانه) پرداخت می شود و در پایان هر سال نیز سود قطعی بانک برآورد شده و بر اساس آن نرخ سود قطعی که باید به سپرده گذاران پرداخت شود، محاسبه می شود. در مواردی که نرخ سود قطعی بیش از علی الحساب پرداختی باشد، مابه التفاوت پرداخت می شود. پرداخت سود علی الحساب به ندرت در سایر کشورهای اسلامی اتفاق می افتد.
- ۱۲- در ایران بانک ها اصل و سود سپرده ها را تضمین می کنند. در حالی که در اکثر بانک های اسلامی سایر کشورها، بانک ها هیچ تضمینی به بازگرداندن سود (و حتی اصل) سپرده ها ندارند و مشتریان صرفاً از روی اعتمادی که به بانک دارند و با توجه به سوابق مثبت بانک در پرداخت سود، نسبت به افتتاح حساب اقدام می کنند.

9

۲-۱-۲ تاریخچه نظام پولی

با توجه به اهمیت پول به عنوان مهم ترین عنصر ورکن اصلی آن در بانکداری و همچنین نقش کلیدی آن در بانکداری اسلامی، بخصوص تغییراتی که در طول زمان نموده و اثری که لازم است در ارتباط با سپرده گذاری و اعطای تسهیلات و مفهوم ربا گذارد، موارد ذیل ارایه می گردد.

جان مینارد کینز در تعریف پول گفته است: پول چیزی است که دارای سه وظیفه واسطه مبادله، معیار سنجش و ذخیره ارزش می باشد.

نگاهی به تاریخچه پول، دوران های گوناگون و پشتوانه های چندگونه آن را نشان می دهد:

۱. در ابتدا وزن و عیار سکه های طلا و نقره، از ارزش اعتباری آن ها، پشتیبانی می کرده است، زیرا پول های طلا و نقره، یک ارزشی ذاتی داشت که به جنس آن ها برمی گشت و یک ارزش اعتباری (پول رایج) که به اندازه طلا و نقره به کار رفته در آن ها؛ در زمان دیگر که پول های کاغذی پا گرفت، جانشین اندازه طلا و نقره نزد صرافان و بانکداران بود و پول های کاغذی اسکناس و رسیدها، به سکه های طلا و نقره تبدیل می شد. در این گاه، انباشته های طلا و نقره و سنگ های قیمتی بانک و یا دولتی که پول را چاپ می کرد، از ارزش اعتباری آن پشتیبانی می کرده است؛ زیرا پول های طلا و نقره، یک ارزشی ذاتی داشت که به جنس آن ها برمی گشت و یک ارزش اعتباری (پول رایج) که به اندازه طلا و نقره به کار رفته در آن ها؛

سپس همه انباشته های سنگ های قیمتی، اوراق بهادار و ارزش های خارجی بانک ها و یا دولتی که پول را پخش می کرد، پشتیبان ارزش اعتباری آن پول شد؛



اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

در پایان، توان تولید حقیقی کشورها از کالاها و خدمات چندگانه، منابع طبیعی و انباشته‌های زیرزمینی گوناگون، نیروهای کارا و متخصص، سیاست‌های درست و سنجیده و ثبات سیاسی و اقتصادی کشوری که پول را می‌گستراند و از آن پشتیبانی می‌کند، پشتوانه پول شمرده شد.

به روشنی می‌توان در یافت، همه‌ی آن چه که به عنوان پشتوانه‌ی پول پذیرفته شده اموری حقیقی هستند و مردم و برانگیزنده‌ی حقیقی آن بی‌دلیل، برای پول ارزش اعتباری نگذاشته‌اند. شاید بحث از لزوم پشتوانه برای اسکناس، زمانی پیش کشیده شد که مردم دریافتند: بر اثر زیاده روی در پخش اسکناس، پول‌های آنان به طلا و نقره، تبدیل نمی‌شود و در نتیجه، ارزش پول‌ها کاسته شد. آن گاه، گروهی برای جلوگیری از کاسته شدن ارزش پول، پنداشتند که با داشتن پشتوانه طلا و نقره، ارزش اسکناس‌ها نیز کاهش نخواهد یافت، چنان زمانی که پول، فلز طلا و نقره بود و تورم‌های پولی به وجود نمی‌آمد. اما برخی دیگر، این دیدگاه را نپذیرفتند و سرانجام، دو دیدگاه درباره میزان پخش اسکناس به وجود آمد.

از مهمترین طرف داران این اصل، دیوید ریکاردو، اقتصاددان انگلیسی است. وی و طرفدارانش می‌گفتند: بانک پخش کننده اسکناس، باید صد درصد برابر ارزش اسکناس پخش شده، طلا داشته باشد تا بتواند ارزش پول را نگاه دارد.

در قرن نوزدهم میلادی، اصل بانکی در برابر اصل پولی برخاست. از سردمداران این اصل، جان استوارت میل را می‌توان نام برد. بنابر دیدگاه وی، هیچ نیازی به پشتوانه طلا و نقره برای اسکناس نیست و حجم اسکناس در گردش، باید برابر با نیاز اقتصاد باشد و هرگاه، اقتصاد کشوری، اسکناس بیشتری را طلبید، بانک پخش کننده اسکناس، باید اسکناس بیشتری را پخش کند.

10

با وجود این، در پایان قرن نوزدهم میلادی، درهم کردن اصل پولی و بانکی، گره موضوع را گشود. به گونه‌ای که بانک پخش کننده اسکناس، برابر قانون، باید به اندازه درصدی از ارزش اسکناس پخش شده، طلا داشته باشد.

انگیزه‌ی نخستین برای آن که فلزی گران بها پشتوانه پول باشد، نگاه داشت ارزش و توان خرید آن می‌نمود، اما انگیزه افزون بر این، تنگ کردن توان دولت‌ها در پخش اسکناس، به اندازه ارزش طلا و فلزات گران بهای موجود در صندوق بانک پخش کننده بود، زیرا دولت‌ها در بسیاری از زمان‌ها، در پخش اسکناس، از اندازه نیاز اقتصاد، پیش می‌رفتند و با فشار بر مسئولان پولی کشور، آنان را به پخش پول بیشتری وادار می‌کردند. پل ساموئلسن در این باره می‌گوید:

علت این که امروز، اشخاص محافظه کار، معتقدند که باید پول کاغذی پشتوانه طلا داشته باشد، آن نیست که طلا به پول، ارزش می‌دهد؛ دلیل چیز دیگری است. این محافظه کاران می‌دانند که دولت می‌تواند ارزش پول را تغییر دهد، هم چنین معتقدند که نمی‌توان به حکومت اعتماد کرد تا در استفاده از این قدرت افراط نکند.

شاید محدود کردن دولت‌ها در پخش اسکناس، برای نگاه داری از ارزش و قدرت خرید پول بوده است، زیرا پخش زیاد پول، آن را از ارزش فرو می‌اندازد.

برخی گمان کرده‌اند: دولت به پول کاغذی اعتبار می‌دهد و اندازه اعتبار و توان خرید پول و ارزش آن، به اعتبار دادن دولت است. این دیدگاه پذیرفته نیست، زیرا دولت‌ها در بسیاری از حوادث، با فشار نظامی هم حتی نتوانسته‌اند که اعتبار پول جاری را نگاه دارند، تا چه رسد به اعتبار دادن به پول و توان خرید آن.

بنابراین، آن چه امروزه ارزش اسکناس و پول را نگاه می‌دارد، برابری درست اقتصادی است میان اندازه حجم پول، حجم کالاها، کارهای دادوستدی و نیز هر چیزی که پایداری ارزش اقتصادی و توان خرید پول را در پناه گیرد؛ مصداق چنین چیزی، جز برابری ویژه‌ای میان حجم تولیدات دادوستد شدنی و حجم پول نیست، هر چند قدرت سیاسی دولت‌ها بر نگاهداری از ارزش و توان خرید آن تأثیر می‌گذارد. بر اساس آنچه گفته شد، کاملا مشهود است که، یکی از عوامل اصلی ایجاد نوسانات اقتصادی (دوره‌های بیکاری و تورم) نوسانات یا شک‌های پولی می‌باشد، که در حال حاضر اغلب اقتصاددانان دنیا از طریق سیاست‌های پولی که توسط بانک‌های مرکزی اتخاذ و اجرا

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

می‌شود آن را مدیریت و کنترل می‌کنند. از سوی دیگر با توجه به قدرت‌های خریدی که در پول وجود دارد خلق آن، آثار توزیعی در اقتصاد خواهد بود. لذا میزان خلق پول و چگونگی آن در وضعیت اقتصاد کشور و توزیع بهرمندی‌های اقتصادی در میان مردم اثر خواهد داشت.

اگر پول به شکل طلا و نقره باشد که ارزش آن ذاتی است پول یک دارایی عینی خواهد بود، که در اینجا می‌توان قواعد قانون مدنی در مورد قرض، ودیعه، وکالت، عاریه، بیع، اجاره و... را در مورد آن جاری دانست. اما اگر پول اعتباری باشد که در حال حاضر اینگونه است، مانند اسکناس، مسکوک، پول در حساب اوراق بهادار، حق تقدم و... قواعد انتقال طلب حکومت می‌کند و نظام اقتصادی و حقوقی آن متفاوت است.

مشهور فقهای امامیه، پول‌های اعتباری، مانند پول‌های طلا و نقره را که ارزش و توان خرید آن‌ها، در نزد عرف و در طول زمان، ثابت می‌ماند، مال مثلی می‌دانند، اما دیدگاه‌های چندگونه‌ای دارند درباره پول‌هایی که ارزش و توان خرید آن‌ها، بر اثر تورم، در گذر زمان کاهش بسیار، پیدا می‌کند.

شهید صدر می‌گوید:

پول‌های کاغذی، اگرچه مال مثلی می‌باشند، ولی مثل آن، صرفاً همان ورق و قیمت ظاهری آن نمی‌باشد، بلکه هر آن چیزی که قیمت واقعی آن را مجسم و بیان کند، مثل پول محسوب می‌شود. بنابراین، اگر بانک، هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران، به مقدار قیمت حقیقی آن چه را دریافت کرده بود، پرداخت کند، مرتکب ربا نشده است.

11

در برابر قول به عدم جواز جبران کاهش ارزش پول، شماری از فقیهان، جبران آن را لازم دانسته‌اند و به دلیل‌های چندگونه‌ای، گفته خویش را اثبات کرده‌اند که برخی از آن‌ها را برای نمونه می‌آوریم:

۱. شماری از فقها، با آن که پول را مثلی می‌دانند، اما جبران کاهش ارزش آن را لازم می‌دانند، زیرا توان خرید و ارزش دادوستدی پول را در مثلی بودن، دخیل می‌دانند. به همین دلیل، گفته‌اند که اگر ارزش پول کاهش یابد و بدهکار، همان اندازه را به طلب کار بدهد، (مثل) صدق نمی‌کند و ناگزیر، باید به اندازه توان خرید زمان دریافت، پول پرداخت کند تا مثل صادق باشد؛

۲. برخی از فقها، از آن‌جا که علت پدیدار شدن پول را بیان ارزش‌ها و اختلاف نسبت ارزش‌ها، میان کالا و خدمات می‌دانند، درباره بازپرداخت دیون، مهریه و غیره، می‌گویند که باید ارزش و قدرت حقیقی پول را پرداخت تا کاهش ارزش، جبران شود؛ آیات عظام: نوری همدانی، موسوی اردبیلی، (در پاسخ به پرسش کمیسیون امور قضایی و حقوق مجلس شورای اسلامی در مورد محاسبه مهریه، بر اساس نرخ روز در صورتی که پول باشد).

۳. دلیل دیگر، جلوگیری از ضرر و زیان طلب کار است، اگر زیان زیاد و چشم‌گیر باشد. کسانی که پول، یا افراد طولی آن را قیمی می‌دانند، جبران کاهش ارزش پول را لازم شمرده‌اند، زیرا آن چه بر عهده وام‌دار می‌شود، توان خرید و مال بودن پول است، نه ارزش اسمی آن.

۴- دلیل دیگری که ضرورت جبران را برمی‌تابد، دلیل نقلی و عقلی است که ما را به اجرای قسط و عدل در جامعه وادار می‌کند.

میان اقسام بدهی (قرض، مهریه، دیه، بهای کالای نسبی و غیره) تفاوتی نیست و در همه این موارد، چنانچه صاحب حق، بر دیرپرداخت بدهکار رضایت دهد، جبران خسارت، ضروری نخواهد بود و در صورتی که رضایت نداشته، که در سپرده‌های بانکی فرض

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

برای‌گونه است براساس قاعده لاضرر، تمام ضرر و زیان‌های طلب کار را باید جبران کند که یکی از آن ضررها، کاهش ارزش پول دیر پرداخت شده است که باید جبران خسارت بشود.

بنابراین ایده و مبنای اصلی بانکداری بدون ربا از جهت فقهی این است که قرارداد قرض با بهره چه در بخش سپرده‌ها چه در بخش تسهیلات بانکی برداشته می‌شود و به جای آن قرض الحسنه گذاشته می‌شود یا از عقود انتفاعی اسلامی مانند خرید و فروش، اجاره، سلف، جعاله، مشارکت، مضاربه استفاده می‌شود. یعنی، جایگزین کردن قراردادهای مشروع اسلامی به جای قرارداد قرض با بهره است که از دیدگاه فقه اسلامی ربا محسوب می‌شود. اما بر اساس آنچه در این مقاله ذکر گردید پاسخ به این سوال برای آرایه‌ی نگرشی جدید بر بانکداری بدون ربا و اسلامی می‌تواند راهگشا باشد.

آیا در سپرده‌ها، تفاوت قدرت خرید پول بخصوص در شرایط تورم با توجه به ذاتی نبودن ارزش پول در شرایط کنونی با عنایت به اصل امانت داری و قاعده‌ی لاضرر در زمان استرداد با ارزش اسمی عادلانه است؟ و چنانچه مبلغی علاوه بر ارزش اسمی برای جبران کاهش قدرت خرید پول بر سپرده‌ها تعلق گیرد ریاست؟

در پاسخ باید گفت: با توجه به سیر تحولات بنیادی در ماهیت پول و پشتوانه‌ی آن در طول تاریخ و عدم تغییر مبنای فقهی در این رابطه، مسایل مربوط به پول امروزی که دارای ماهیت و پشتوانه‌ی حکمی و اعتباری است هنوز با قواعد فقهی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که بر پایه‌ی ارزش ذاتی پول نهادینه شده است. لذا باز تعریف برخی قواعد و مفاهیم فقهی با توجه به تغییر ماهیت پول که در مطالب بالا بررسی گردید، الزامیست. بر اساس نظرات آیات عظام همچون آیت الله صدر لزوم جبران کاهش قدرت خرید در شرایط تورمی اقتصاد امروز، سود محسوب نمی‌شود که احکام ربا بر آن مترتب باشد. به گونه‌ای که اگر این تضاد در شرایط کنونی برطرف نشود با کاهش قدرت خرید پول انگیزه‌ی سپرده‌گذاران برای سپرده‌گذاری کاهش یافته و می‌یابد و ثانیاً گرایش بانک‌های ما به سوی تورم زایی میل داشته و خواهد کرد. در شرایط کنونی این به نفع نظام اقتصادی کشور نیست.

۳- نتیجه‌گیری

بررسی تجارب بانکداری اسلامی و بانکداری سنتی و الگوهای اجرا شده در سایر کشورها با مدل بانکداری بدون ربا که در سه دهه اخیر در کشور ایران اجرا شده است، نشان می‌دهد بانکداری اسلامی در تمامی کشورها (به جز ایران و سودان) در چارچوب دوگانه اجرایی می‌شود.^{۱۹} علاوه بر این، در کشورهای مختلف اسلامی انواع شیوه‌ها جهت تجهیز و تخصیص منابع مورد استفاده واقع می‌شود که هر چند با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، اما مشابهت‌هایی نیز وجود دارد که نمی‌توان از آن غافل بود.^{۲۰} آنچه ما در این مقاله در پی اثبات آن نیز بودیم تطبیق بانکداری اسلامی با تغییر ماهیت پول و سایر مفروضات و نقش آنها است که بازتعریفی دوباره از اصول و قواعد فقهی در این زمینه را می‌طلبد. عدم محاسبه‌ی کاهش قدرت خرید پول آثار اقتصادی نا مطلوبی از جمله کاهش سپرده‌گذاری و گرایش نظام بانکداری بر افزایش نرخ تورم را به دنبال دارد با عنایت به نظر برخی از صاحب نظران از جمله شهید صدر می‌تواند در قواعد بانکداری بر اساس اصل عدالت مداری و امانت داری در حفظ قدرت خرید پول از بسیاری از مشکلات اقتصادی که فرا روی بانکداری اسلامی قرار دارند جلوگیری نمایند و اعتماد عمومی را در مشتریان سپرده‌گذار فراهم آورد.

منابع

حاجیان، محمدرضا، ۱۳۹۰، «موانع و مشکلات اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی کشور»، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
شمع‌ریزی، سیدحمید، ۱۳۷۰، «بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی پاکستان» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

